



بخش آموزش رسانه تفریحی سنتر

کلیک کنید  www.tafrihicenter.ir/edu

 نمونه سوال  گام به گام

 امتحان نهایی  جزوه

 دانلود آزمون های آزمایشی

متوسطه اول : هفتم ... هشتم ... نهم

متوسطه دوم : دهم ... یازدهم ... دوازدهم

www.tafrihicenter.ir

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



وضعیت شعر در سبک هندی



سبک هندی است از اوایل قرن یازدهم تا اواسط قرن
دوازدهم به مدت ۱۵۰ سال در تاریخ ادبیات فارسی
رواج داشت.





حکومت صفوی

با آموزه های سنتی عرفانی در تضاد بود، در نتیجه شاعران به این موضوعات روی آوردند.

به شعر مدحی و درباری و عاشقانه بهایی نمی داد.

اندرز

مضمون افرینی

باریک اندیشی

تبدیل موضوعات کهنه به مضامین تازه

بازسازی اندرز و تمثیل های کهن به شیوه او



شعر از حوزه تصرف شاعران باسواد و آگاه به فن ادب خارج
شد و در دسترس عامه و پیشه وران و بازاریان قرار گرفت.

سود و زیان مردمی شدن شعر در
عصر صفوی

✓ سود: شعر میان عامهٔ مردم آمد و با مضمون‌ها و قلمروهای تازه‌ای
روبه رو شد.

✓ زیان: افراد کم اطلاع و عامی به شعر روی آوردند و آن را از
استواری و سلامت پیشین خود دور ساختند.



قلمرو زبانی

✓ (الف) روی آوردن طبقات مختلف مردم - که عمدتاً آموخته های ادبی نداشتند - به عالم ادبیات باعث شد، زبان کوچه و بازار به شعر راه یابد و روح تازه ای به زبان شعر داده شود.

✓ (ب) دایره واژگان شعر گسترش یافت .

✓ بسیاری از لغات ادبی قدیم از شعر حذف شد؛ به طوری که زبان شعر سبک هندی، زبان جدید فارسی شد.

✓ در این عصر از مختصات زبان قدیم مخصوصاً سبک خراسانی خبری نیست .



دو دلیل از بین رفتن مختصات سبکی زبان قدیم

✓ حملات پی در پی بیگانگان (مغولان ، تیموریان و ازبکان) به ایران به ویژه نواحی شرق که باعث نابودی کتابخانه و از بین رفتن آثار کهن شد و فضلا دیگر با کتب قدیم و با زبان قدیم مانوس نبودند.



دو دلیل از بین رفتن مختصات سبکی زبان قدیم

✓ تغییر جغرافیایی حوزه‌های شعر در نقاط مختلف ایران و تاثیر پذیرفتن از زبان نواحی گوناگون شاعرانی از قبیل صائب که در اشعار قدما تتبع بسیار داشتند، از به کار بردن زبان قدیم پرهیز می کردند.

◀ زیرا : شعر از مدرسه به بازار آمده بود و زبان رایج، همان زبان رایج مردم عصر بود، از این رو: به کار نگرفتن زبان شعری قدما را نباید دلیل بی‌فضلی برخی از شاعران بزرگ سبک هندی محسوب کرد.

✓ در این سبک لغاتی چون « نزاکت، قالی، شیشه، پُل، بخیه، سفال و... » که تا این زمان کمتر در شعر راه داشت، رواج یافته بود .

قلمرو زبانی

- ✓ پ) ورود لغات مربوط به مذاهب و آداب رسوم هندوان در حوزه شعر و ادب
- ✓ ت) در این دوره با از بین رفتن سلطه حکومت بغداد در ایران، کاربرد لغات عربی کم شد.
- ✓ حملات تیموریان و ازبکان موجب رواج لغات ترکی و ضعف زبان فارسی شد.
- ✓ سلاطین صفوی در دربار به ترکی سخن می گفتند.



قلمرو زبانی

✓ (ث) زبان سبک هندی را باید زبانی «واقع گرا» دانست ، زیرا زبان حقیقی مردم آن دوره بوده است.

✓ (ح) بی توجهی به زبان

✓ (چ) بی دقتی در کاربرد جمله ها و ترکیب ها

✓ (ج) ورود واژه های عامیانه



قلمرو ادبی

✓ الف) به دلیل کم توجهی شاعران کوچه و بازار به آرایه های ادبی، از بدیع و بیان جز به صورت طبیعی و تصادفی کمتر استفاده می شد.





✓ در شعر برخی از شاعران شاخص، آرایه های ادبی رواج دارد که

آرایه های پر کاربرد آن عبارتند از:

✓ تشبیه

✓ تلمیح (که در مضمون سازی نقش فعالی دارد، البته در تلمیحات

رایج نه تلمیحات غریب و نادر).

✓ حسن تحلیل

✓ حس آمیزی

✓ تمثیل

✓ اسلوب معادله



قلمرو ادبی

✓ (ب) قالب مسلط در این دوره به ظاهر غزل است .

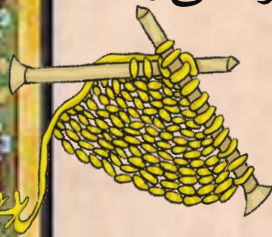
تعداد ابیات غزل محدودیت ندارد، حتی به ۴۰ بیت هم می‌رسد و تکرار قافیه در آن امری طبیعی است.



★ دلیل طولانی بودن ابیات غزل و تکرار قافیه

✓ آن است که در حقیقت شاعر سبک هندی تک بیت گو است، یعنی قالب حقیقی شعرش مفردات است.

✓ منتها شاعر، این ابیات مستقل را به وسیله قافیه و ردیف به هم گره می زند.



✓ شاعر تک بیتی می سازد و آن را در غزلی که مناسب آن بیت باشد، قرار می دهد؛ از این رو کم و زیاد شدن ابیات غزل، آسیبی به شعر نمی زند.



قلمرو ادبی

✓ پ) استفاده از ردیف های طولانی و خوش آهنگ مانند
خواهم شدن، می شود پیدا، می برد مرا، دیگر است و...



قلمرو فکری

✓ الف) شعر هندی، شعری معناگرا است نه صورت گرا.

✓ شاعران این دوره به معنی توجه داشتند تا به زبان.

✓ معروف است که هیچ معنا و مضمونی در جهان نیست که در شعر صائب نیامده باشد.

✓ صائب از گل قالی، تند باد و تبخال هم مضمون ساخته است.





✓ شاعران این دوره برای مضمون‌سازی از هر چیز در عالم طبیعت یا در ذهن استفاده می‌کردند.



✓ همه این مضمون‌ها در سطح هستند و در بین آنها آثار معنایی بزرگی نظیر «شاهنامه فردوسی ، مثنوی مولوی یا آثار عطار و سنایی» پدید نیامداند.



قلمرو فکری

✓ (ب) شعر در سبک هندی بیشتر در تک بیت خلاصه می شود.

✓ طول و عرض معنا از یک بیت پیش تر نمی رود و حداکثر تحسین و اعجابی را در حد آن بیت بر می انگیزد.



✓ پ) کار شاعران سبک هندی ترجمه مطالب فلسفی و عرفانی و غنایی گذشتگان به بیان سبک هندی است که گاهی با وجود داشتن ابهام، آن را قابل درک تر و خلاصه تر بیان می کند.

✓ تلاش شاعران سبک هندی مضمون یابی به ارائه خیال خواص و معنی برجسته است، یعنی فکری جزئی اما تازه و نگفته با بیانی اعجاب انگیز.



نثر کتاب های این دوره سه نوع است



✓ مقصود از نثر ساده در این دوره، نثر مرسلی نظیر تاریخ بلعمی نیست.

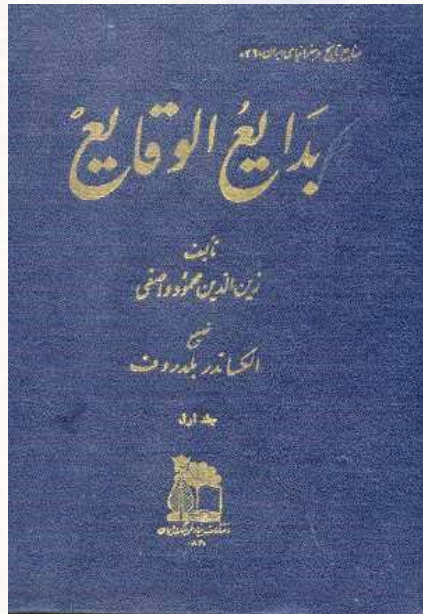
✓ در نثر ساده این دوره، لغات و ترکیبات عربی و اشاره و به آیات و احادیث و درهم آمیختگی شعر و نثر کم نیست.

نثر ساده

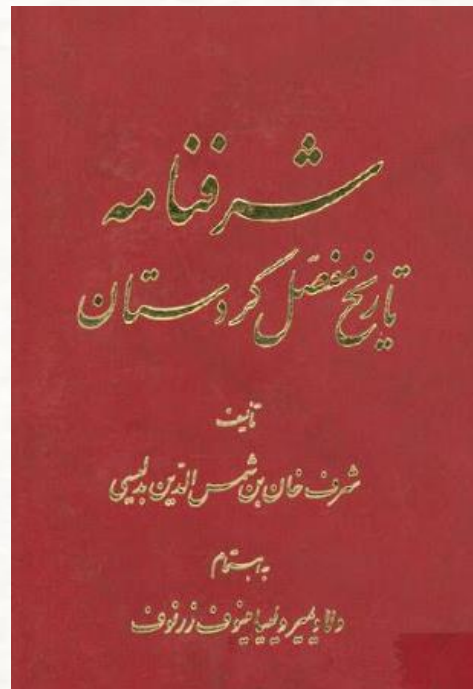


کتاب های معروفی که به نثر ساده
نوشته شده اند :

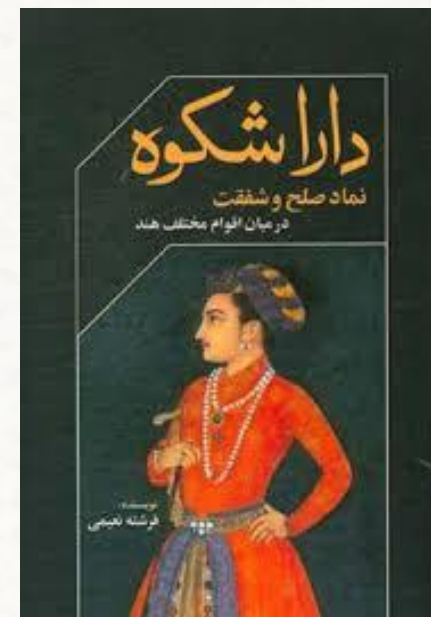
در خارج از ایران



بدایع الوقایع در ماوراء النهر



شرفنامه بدلیسی در عثمانی



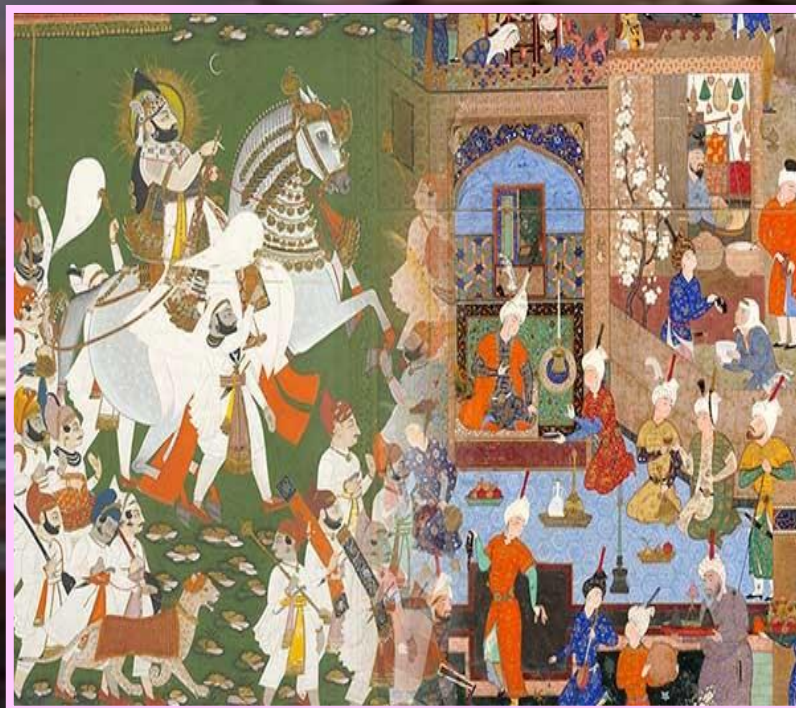
کتب داراشکوه در هند

در داخل از ایران



در زمینه تاریخ

کتاب های معروفی که به نثر ساده
نوشته شده اند :



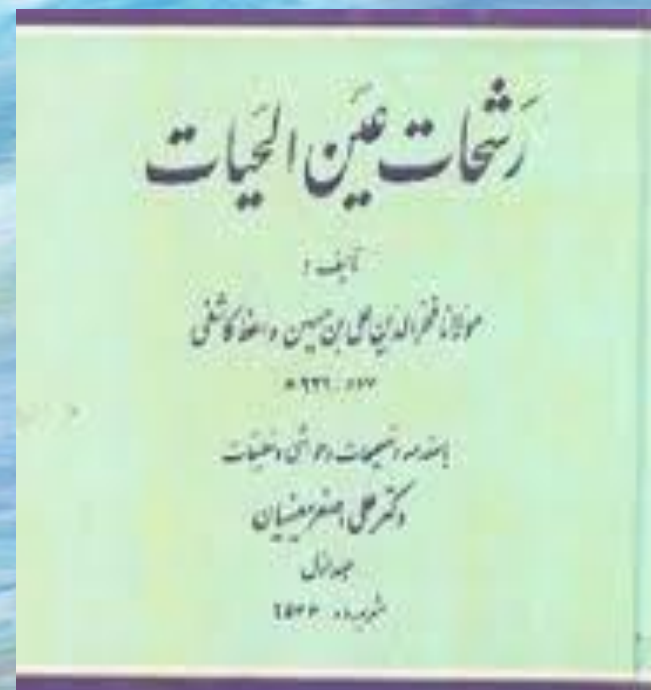
تذکره شاه طهماسب از شاه طهماسب صفوی

عالم آرای صفوی از اسکندر بیگ منشی

در داخل از ایران

در زمینه عرفان

کتاب های معروفی که به نثر ساده
نوشته شده اند :



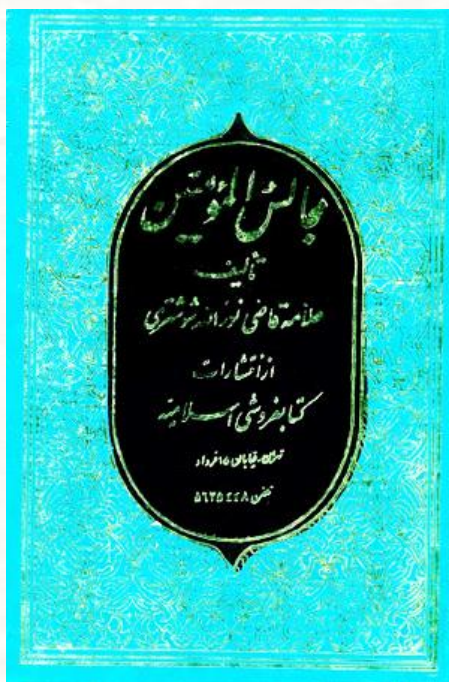
عین الحیات از علی بن حسین واعظ کاشفی



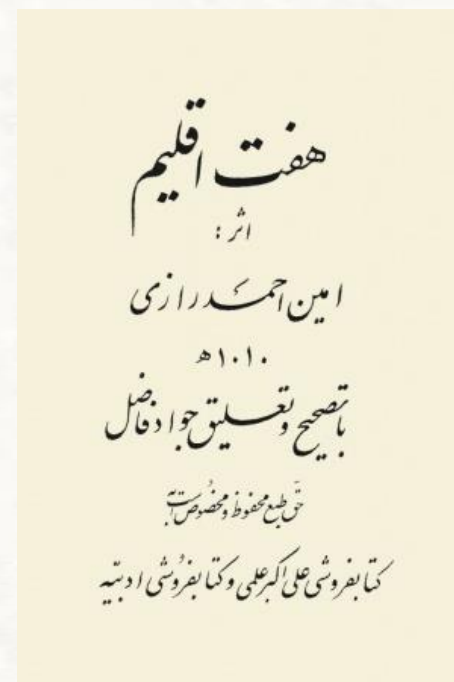
در داخل از ایران

در زمینه زندگی نامه

کتاب های معروفی که به نثر ساده
نوشته شده اند :



مجالس المومنین از قاضی نورالله شوشتری



در زمینه هفت اقلیم از امین احمدی رازی

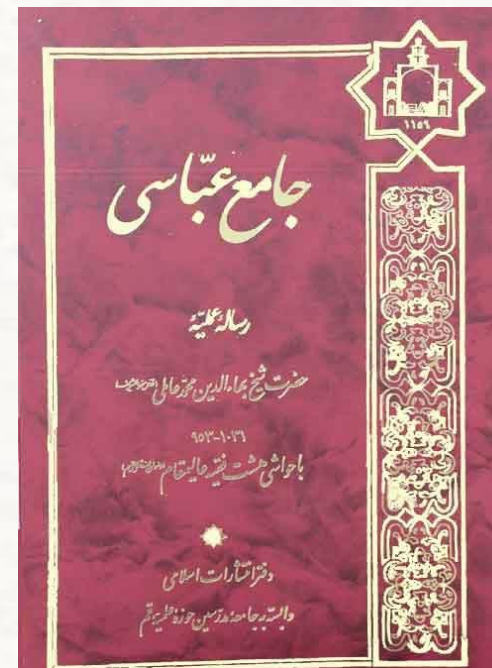
در داخل از ایران

در زمینه فقه

کتاب های معروفی که به نثر ساده
نوشته شده اند :



شیخ بهایی



جامع عباسی از شیخ بهایی



در این دوره از نثر مصنوع در فرمان ها، منشآت و
دیباچه کتاب ها استفاده می شد.



آثاری که دیباچه آن به نثر مصنوع است:

عیار دانش

شرفنامه بدلیسی



معروف ترین کتبی که تماماً به نثر مصنوع نوشته‌اند:

محبوب القلوب از
میرزا برخوردار فراهی

عبّاس نامه از وحید قزوینی



✓ نثر مصنوع سبک هندی، حلاوت (شیرینی) و فخامت (استواری) نثر فنی قرن های
ششم و هفتم را ندارد و هرچه هست، تکلف و بی ذوقی و غلط پردازی است.



✓ «بینابین» نثری است که نه چندان ساده و نه چندان دشوار است.
قصد نویسنده از نثر بینابین، در اصل آسان نویسی بوده است؛
هرچند امروزه چندان روان و آسان به نظر نمی‌رسد.



معروفترین کتب به نثر بینا بین

احسن التواریخ از
حسن بیگ روملو



حبیب السیر از خواندمیر

قلمرو زبانی

✓ ۱- در آمیختگی نظم و نثر

✓ ۲- کاربرد وجه وصفی

✓ ۳- جمع بستن با «ات»

* در کلمات عربی : محاربات * در کلمات فارسی : گیلانات * در ترکی و مغولی : بیلاقات

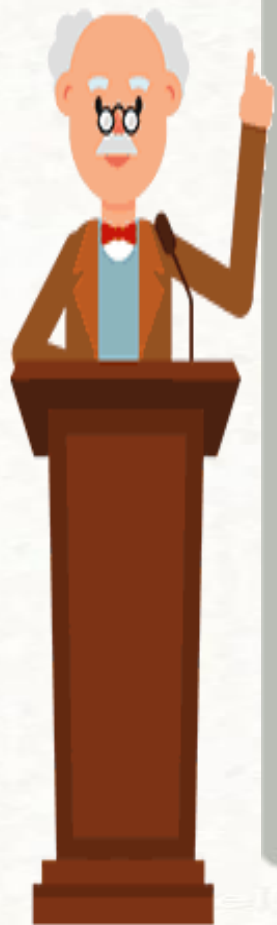
✓ ۴- مطابقت صفت و موصوف و تقلید از عربی

✓ ۵- آوردن تتابع اضافات در مقام تعارف و تمجید از بزرگان یا به سبب قرینه پردازی و موازنه

✓ ۶- آوردن جملات طولانی

✓ ۷- کاربرد افعال با پیشوند های متعدد

✓ ۸- فراوانی لغات ترکی و مغولی



قلمرو ادبی

- ✓ نثر این دوره از دیدگاه ادبی ارزش والایی ندارد، زیرا به زبان عامیانه نزدیک است.
- ✓ نویسندگان این دوره هرگاه بخواهند متن ادبی بنویسند، تصنعی و باتكلف می‌نویسند.
- ✓ انحطاط ادبی در این زمان از دوره تیموری هم بیشتر است.
- ✓ استفاده از آیات، احادیث و عبارات عربی رواج بیشتری یافت و در آرایه تلمیح نمودار شد.
- ✓ ضرب‌المثل‌های شیرین فارسی به عبارات عربی مگرر و بی روح بدل گردید.



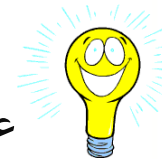
قلمرو ادبی

- ✓ استفاده از شعرهای ضعیف در متن کتاب‌های منشور- که غالباً سروده خود مؤلفان است- رواج یافت.
- ✓ بی‌دقتی در ذکر تاریخ و حوادث تاریخی و رواج مدح و چاپلوسی، نثر این دوره را از رونق انداخت.
- ✓ آمیخته شدن زبان فارسی با دیگر زبان‌ها (مغولی، ترکی، عربی و ...) باعث شد در این دوره کتاب‌هایی با عنوان «فرهنگ لغت» نوشته شود.



قلمرو فکری

عوامل زیر سبب شد تا در عصر اعتلای (اوج) صفوی، یعنی زمان شاه عباس اول،
ایران از نویسندگان قوی بی‌بهره باشد.



✓ فساد و تیره بختی چند قرن گذشته

✓ کشتار مردم

✓ فرار دسته‌جمعی افراد با ذوق و آزاده از ترس استبداد، به خارج از ایران.

✓ کشته شدن یا مُردن افراد با استعداد و دانشمند از گرسنگی و فقر.





روزگاری شد ز چشم اعتبار افتاده ام
چون نگاه آشنا از چشم یار افتاده ام
دست رغبت کس نمی سازد به سوی من دراز
چون گل پژمرده بر روی مزار افتاده ام
اختیارم نیست چون گرداب در سرگشتگی
نبض موجم، در تپیدن بی قرار افتاده ام
عقده ای هرگز نکردم باز از کار کسی
در چمن بیکار چون دست چنار افتاده ام
همچو گوهر گر دلم از سنگ گردد دور نیست
دور از مژگان ابر نوبهار افتاده ام
صائب (سبک هندی)

ویژگی زبانی

✓ ساده و قابل فهم بودن زبان بیان

✓ گسترش دایره واژگانی شعر شاعر با به کار بردن لغاتی نظیر « نبض، تپیدن، عقده، مزار، پژمرده و چنار»

✓ کاربرد زبان رایج مردم عصر: « از چشم افتاده ام ، عقده باز نکردم، دست راست نمی سازد، اختیارم

نیست، روی مزار»

✓ کاربرد واژه هایی که کمتر در شعر قُدمًا به به کار رفته است «مزار و چنار»



ویژگی ادبی

✓ قالب: غزل

✓ نوع ردیف: فعلی (: افتاده ام)

✓ استعاره‌ها: چشم اعتبار، دست رغبت، اختیار گرداب، نبض موج، دست چنار، مژگان ابر نوبهار

✓ تشبیه‌ها: چون نگاه آشنا، چون گل پژمرده افتاده ام، چون گرداب ...، همچون گوهر....

✓ قابلیت به شمار آوردن تک بیت به عنوان مفردات: (بیت ۲)

✓ بهره گیری از تصاویر واقعی دنیا برای قابل فهم ساختن سخن: گل پژمرده بر روی مزار، دست

بیکار چنار، از سنگ بودن گوهر



ویژگی فکری



✓ ناامیدی و سرخوردگی شاعر (۱)

✓ بی ثمر بودن زندگی / مضمون سازی (۲)

✓ معنی گرا بودن شاعر (۳)

✓ کامل بودن معنای تک بیت ها / بی ثمر بودن ، مشکل گشا نبودن در کار دیگران (۴)

✓ یافتن فکری جزئی اما تازه با بیانی اعجاب انگیز (۵)

ای گل که موج خنده ات از سر گذشته است

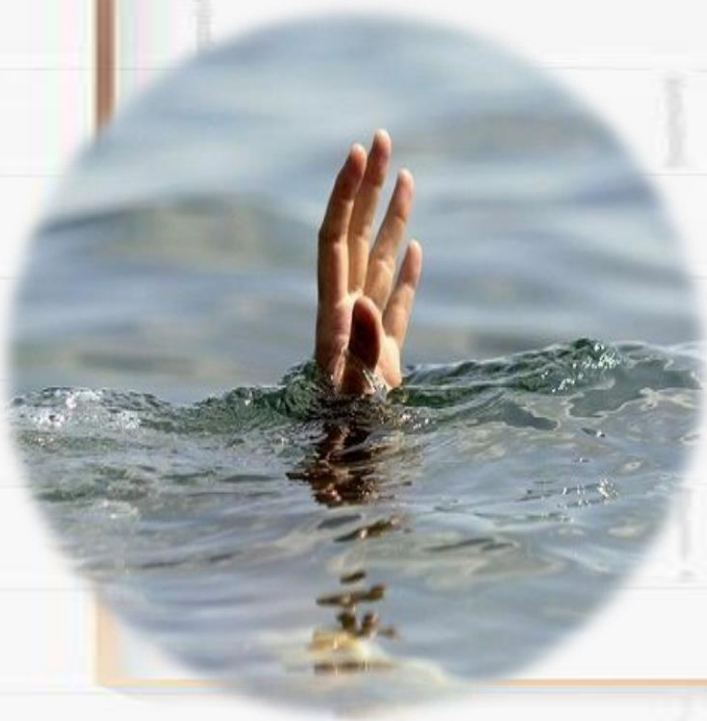
آماده باش گریه تلخ گلاب را

صائب (سبک هندی)





✓ کاربرد زبان رایج مردم عصر: از سر گذشته است.





✓ به حساب آوردن تک بیت به عنوان مفردات

✓ ای گل، گریه گلاب: تشخیص، استعاره

✓ خنده گل: استعاره از باز شدن گلبرگ های گل

✓ گریه تلخ: حس آمیزی

✓ گل و گلاب: اشتقاق و تناسب

✓ حسن تعلیل: شاعر می گوید گل باید برای گریه تلخ گلاب گرفتن آماده شود، زیرا بی خبری از ناپایداری خود و جهان، مستانه در حال خندیدن است.





✓ ناپایداری لذّت و خوشی های دنیایی



✓ توأم بودن آسایش و رنج در جهان



به یک کرشمه که در کار آسمان کردی

هنوز می برد از شوق چشم کوکب ها

صائب (سبک هندی)

✓ کاربرد لغات عربی : «شوق» ، کوكب

✓ بهره گیری از زبان رایج مردم: در کار کسی کرشمه کردن

✓ حسن تعلیل : شاعر علت چشمک زدن ستاره ها را نتیجه کرشمه معشوق در کار آسمان می داند

✓ چشم کواکب، کار آسمان : تشخیص، استعاره

✓ چشم : مجاز از پلک

✓ واج آرایی : تکرار صامت «ک»

✓ پریدن چشم کوکب ها : کنایه از درخشندگی ستارگان

✓ کرشمه در کار کسی کردن: کنایه از توجه و عنایت اندک

✓ آسمان و کوکب: تناسب

✓ پریدن پلک چشم : کنایه از آمدن میهمان، تلمیح دارد به باور عامیانه گذشتگان که

« مهمان عزیزی از راه می رسد »

ویژگی فکری

✓ کرشمه معشوق و شورانگیز بودن عشق



ز منجنيق فلک سنگ فتنه می بارد

من ابلهانه گریزم در آبگینه حصار

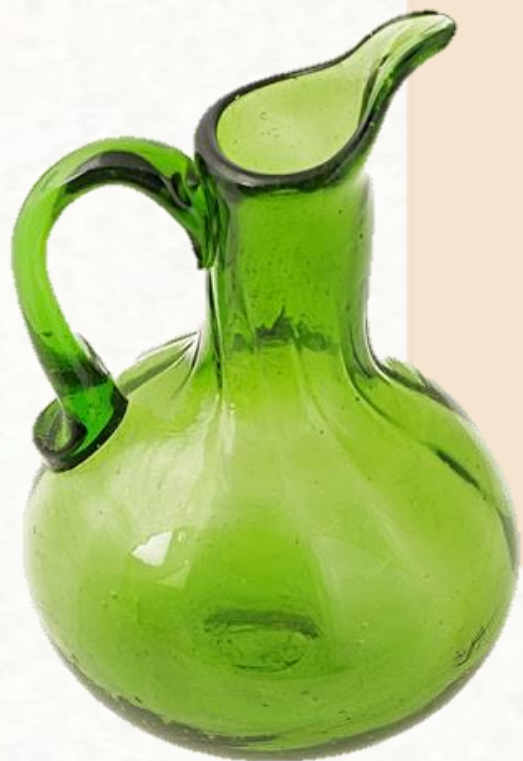
عرفی شیرازی (سبک هندی)



✓ کاربرد «ز» جای «از»

✓ به کار بردن فعل مضارع اخباری بدون نشانه «می» گریزم

✓ استعمال اسم به جای صفت «آبگینه حصار» به جای
«آبگینه ای حصار» (حصار شیشه ای)



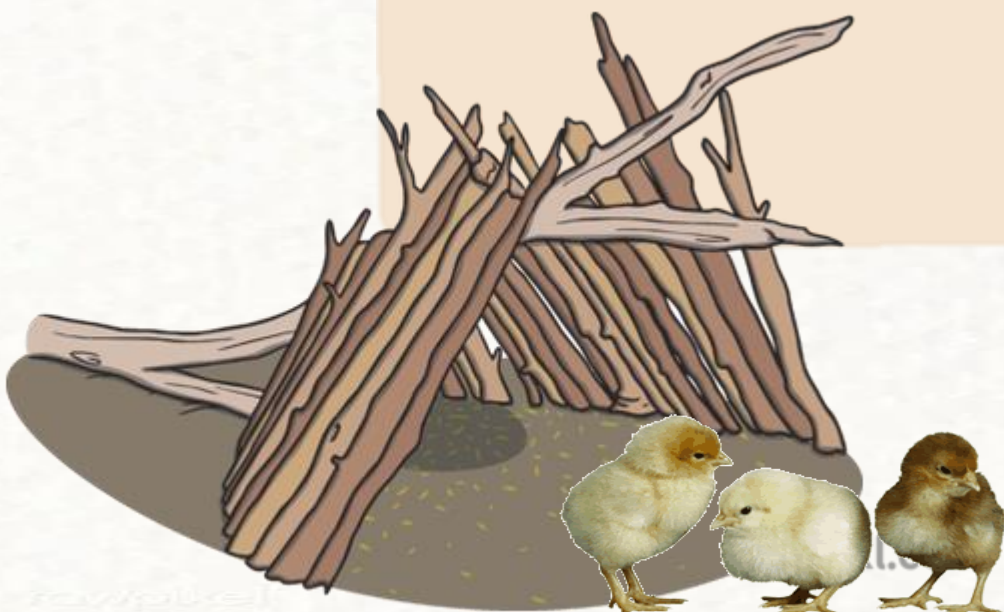
✓ تشبیه ها : منجیل فلک، سنگ فتنه

✓ باریدن فتنه: استعارهٔ مکنیه، کنایه از نابسامانی اوضاع زمانه

✓ آبگینه حصار: استعاره از جای ناامن یا پناهگاه سست و پرخطر

✓ سنگ $\neq$ آبگینه (شیشه): تضاد

✓ سنگ و منجیق: تناسب



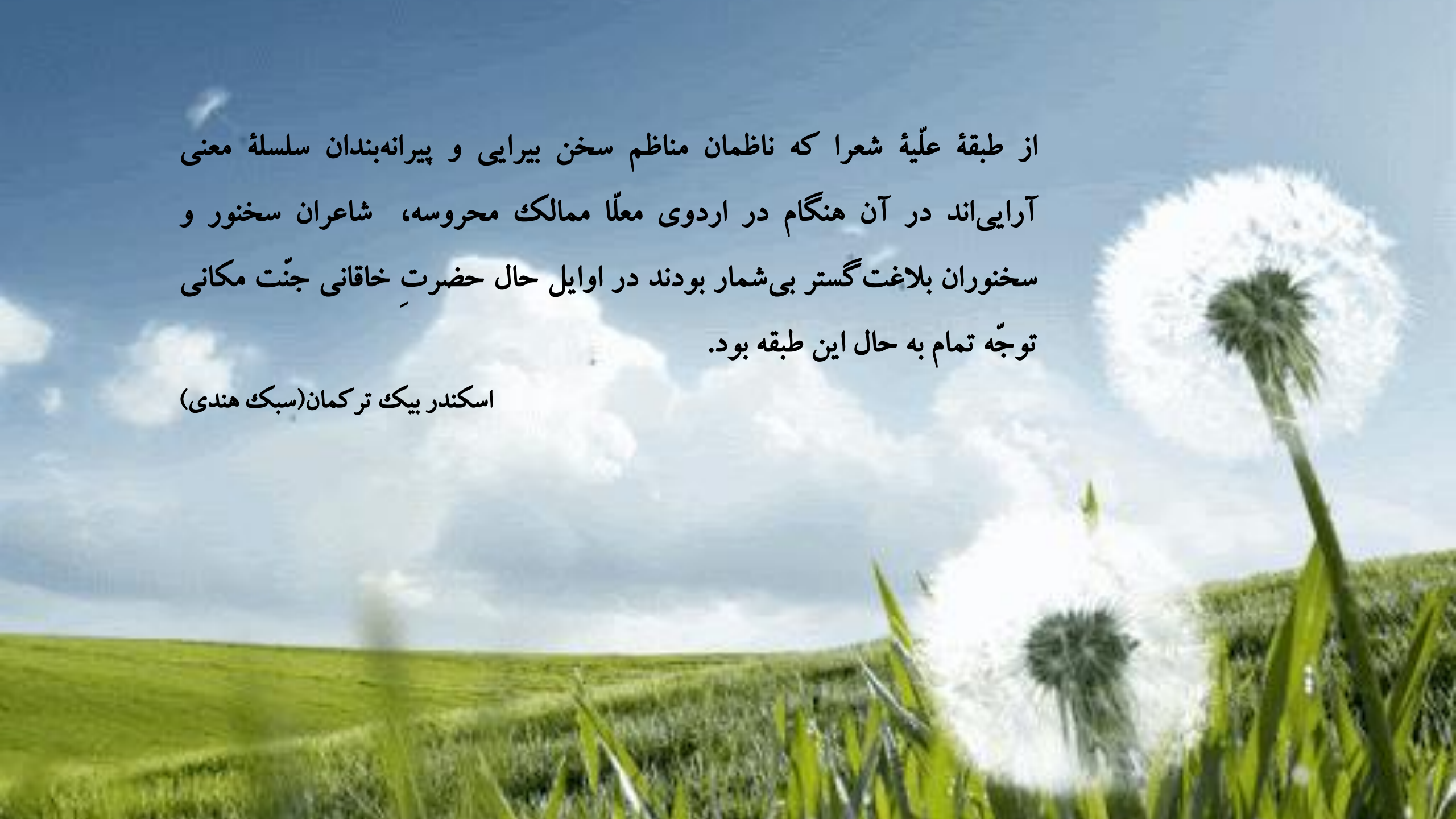
گله و شکایت از ظلم زمانه ✓

تصویر آفرینی و مضمون سازی شاعر ✓



از طبقهٔ علیّه شعرا که ناظران مناظم سخن بیرایی و پیرانه‌بندان سلسلهٔ معنی
آرایی‌اند در آن هنگام در اردوی معلّا ممالک محروسه، شاعران سخنور و
سخنوران بلاغت گستر بی‌شمار بودند در اوایل حال حضرت خاقانی جنت مکانی
توجه تمام به حال این طبقه بود.

اسکندر بیک ترکمان (سبک هندی)



✓ اطناب در سخن

✓ مترادف نامأنوس و الفاظ خشک : ناظمان و پیرایه بندان

✓ آوردن تتابع اضافات در مقام تعریف و تمجید : ناظمان منظم سخن پیرایی ، پیرایه بندان سلسله

معنی آرایبی، اوایل حال حضرت خاقانی

✓ مطابقت موصوف و صفت به شیوه زبان عربی : طبقه علیّه ، ممالک محروسه

✓ کثرت واژگان عربی : « طبقه ، علیّه ، شعرا ، ناظم و... »

✓ کاربرد واژگان غیر ساده : « سخن پیرایی ، پیرایه بندان ، معنی آرایبی ، بلاغت گستر ، جنت مکانی »



✓ موازنه : ناظم‌ان منظم سخن پیرایی و پیرایه بندان سلسله معنی آرای

✓ واج آرای: تکرار صامت «ن» و مصوّت بلند «ا» در «ناظم‌ان منظم - معنی آرای»

✓ اشتقاق : ناظم و منظم

✓ تناسب : ناظم‌ان، ناظم، سخن پیرایی، معنی آرای، شاعران و ...



ویژگی فکری

✓ توجه خاص پادشاه صفوی در آغاز سلطنت به طبقه شاعران



چند نمونه از سبک های مختلف

ای دوست شکر خوش تر یا آنکه شکر سازد؟

ای دوست قمر خوش تر، یا آنکه قمر سازد؟

مولوی (سبک عراقی)

✓ تکرار : واژه های « دوست، ای، خوش تر، یا آن که ، سازد »

✓ جناس ناهمسان (ناقص اختلافی) : شکر و قمر

✓ ترصیع



✓ برتری خالق بر هر چیز

✓ با رویت پدیده های هستی به یاد خداوند افتادن



چنین است رسم سرای درشت

گهی پشت به زین و گهی زین به پشت

فردوسی (سبک خراسانی)



ویژگی زبانی

✓ سادگی زبان شعر

✓ کم بودن واژگان عربی : «رسم»

✓ کاربرد «گهی» به جای «گاهی»

✓ کوتاه جملات



ویژگی ادبی

✓ سرا : استعار از دنیا

✓ زین و پشت : مراعات نظیر و عکس



✓ ناپایداری قدرت‌های جهان

✓ اوضاع زمان همیشه یکسان نیست ، گاهی شکست و گاهی پیروزی نصیب آدمی می شود.

✓ واقع گرایی

✓ توجه به دنیای بیرون



از مکافات عمل غافل مشو

گندم از گندم بروید جو ز جو

مولوی (سبک عراقی)





✓ سادگی زبان شعر

✓ نزدیک بودن بیت به مختصات زبانی سبک خراسانی



✓ تکرار : واژه های « گندم » و « جو »

✓ گندم و جو : مراعات نظیر





✓ واقع گرایی

✓ توجه به دنیای بیرون

✓ نتیجه هر عملی متناسب با خود آن عمل خواهد بود.

نقشی بر آب میزنم از گریه حالیا

تا کی شود قرین حقیقت، مجاز من

حافظ (سبک عراقی)



✓ دشواری زبان شعر نسبت به سبک خراسانی

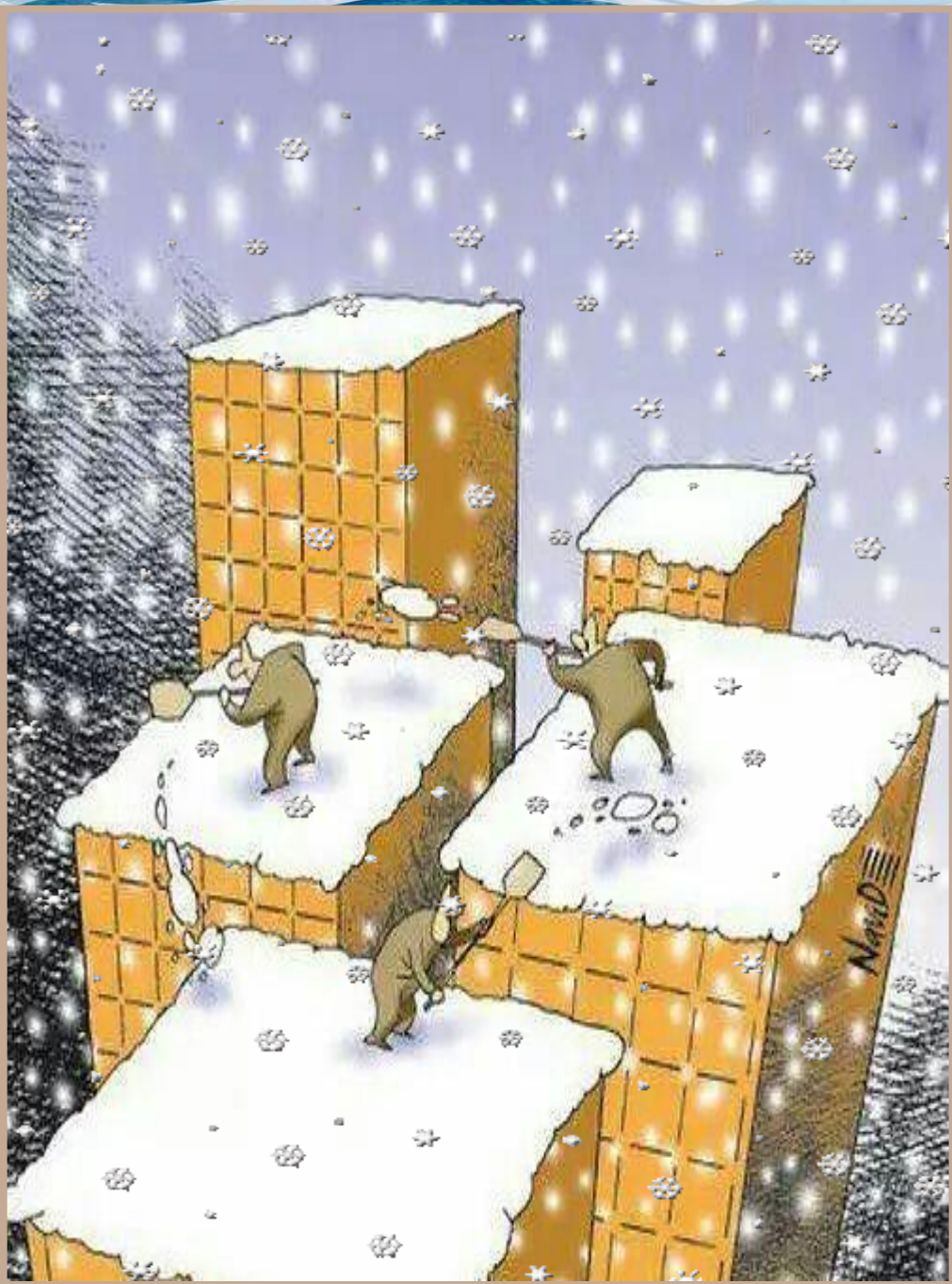
✓ کاربرد واژگان متعدد عربی : « نقشه، قرین، حقیقت و مجاز »



ویژگی ادبی

✓ تضاد : حقیقت ≠ مجاز

✓ نقش بر آب زدن : کنایه از کار بیهوده کردن



غم گرایى ✓

فراق ✓

کار بیهوده و بی ثبات انجام دادن ✓



قمری ریخته بالم به پناه که روم؟

تا به کی سرکشی ای سرو خرامان از من؟

کلیم کاشانی (هندی زبانی)



✓ ساده به زبان شعر





✓ تشبیه : قمری ریخته بالم

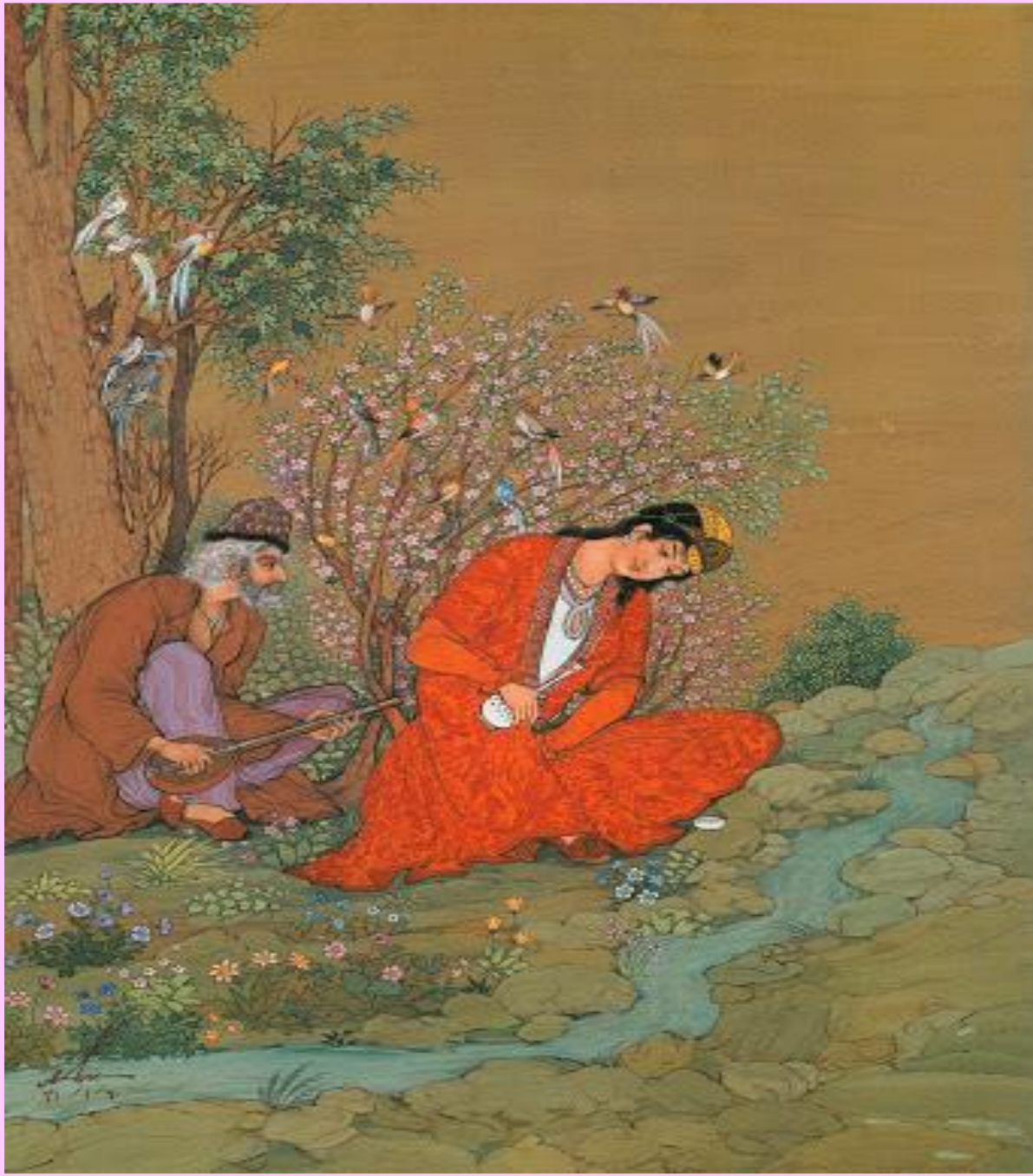
✓ سرو : استعاره از معشوق

✓ ریخته بال : کنایه از عاجز و ناتوان

✓ «سرکشی» : ایهام: ۱- کنایه از روی بر میگردانی،

بی اعتنایی می کنی ۲- نا فرمانی می کنی





✓ درون گرایی و بیان احوال شخصی

✓ ناکامی عاشق و گله از روی گردانی معشوق

مرا تو غایت مقصودی از جهان ای دوست
هزار جان عزیزت فدای جان ای دوست
چنان به دام تو الفت گرفت مرغ دلم
که یاد می نکند عهد آشیان ای دوست
گرم تو در نگشایی کجا توانم رفت؟
به راستان که بمیرم در آستان ای دوست
مرا رضای تو باید، نه زندگانی خویش
جواب تلخ، بدیع است از آن دهان ای دوست
که گفت سعدی از آسیب عشق بگریز
به دوستی که غلط می برد گمان ای دوست

سعدی (سبک عراقی)





✓ به کاربردن لغات عربی : « غایت ، مقصود ، عزیز و ... »

✓ درآمیختن مختصات نو و کهن : « می‌نکند » به جای « نمی‌کند »

✓ جهش ضمیر : هزار جان عزیزت فدای جان ، گرم تو در نگشایی



✓ قالب : غزل عاشقانه

✓ به کار بردن آرایه ها و زیبایی های ادبی در حدّ اعتدال
به گونه ای که در ظاهر ، نشانی از تصنع نیست.

✓ واج آرایی : تکرار مصوّت بلند « ا » بیت های (۴ و ۱)
تکرار صامت « س » و « ز » در بیت (۵)

✓ تکرار واژه « جان » در بیت (۱)

✓ جناس : جان و جهان ، راستان و آستان، دوستی و دوست

✓ جناس تام : که (ضمیر مبهم) و که (حرف ربط)



✓ تشبیه : مرغ دل

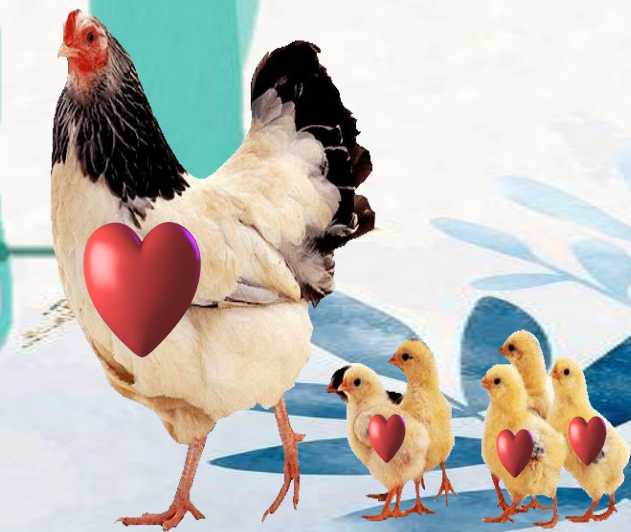
✓ حس آمیزی : جواب تلخ

✓ استعاره مکنیه و تشخیص : غایت مقصود، الفت گرفتن دل،
آسیب عشق

✓ کنایه : در گشودن

✓ اغراق : هزار جان

✓ تناسب : دام و مرغ و آشیان : در و آستان، جواب و دهان ،
تلخ و دهان





✓ زمینی بودن معشوق

✓ آن کس که مهم است فقط معشوق است و بس

✓ مفاهیم محوری : جبراندیشی شاعر، رضا و
تسلیم محض در برابر معشوق

ای دفتر حُسن تو را فهرست ، خط و خال ها
تفصیل پنهان شده در پردهٔ اجمال ها
آتش فروز قهر تو، آینه دار لطف تو
هم مغرب ادبارها، هم مشرق اقبال ها
پیشانی عفو تو را ، پر چین نسازد جُرم ها
آینه کی برهم خورد از زشتی تمثال ها
با عقل گشتم همسفر یک کوچه راه ، بی کسی
شد ریشه ریشه دامنم از خار استدلال ها
هر شب کواکب کم کنند از روزی ما پاره ای
هر روز گردد تنگ تر سوراخ این غربال ها
هر چند صائب، می روم سامان نومیدی کنم
زلفش به دست می دهد سر رشتهٔ آمال ها
صائب (سبک هندی)

✓ کثرت لغات عربی : « دفتر، حُسن، فهرست و ... »

✓ گسترده بودن دایره واژگان

✓ کاربرد اصطلاحات عرفانی : خط ، خال ، لطف

✓ کاربرد الفاظ و ترکیبات عامیانه : یک کوچه راه ، ریشه ریشه شدن

✓ جمع بستن جمع مکسر با نشانه جمع فارسی آما ل ها (این نکته نشانهٔ عدم پابندی شاعر به اصول و قواعد زبان است)

✓ به کار بردن « هر چند » به جای « هر قدر »



✓ قالب: غزل

✓ تضاد: قهر ≠ لطف، ادبار ≠ اقبال، مغرب ≠ مشرق، تفصیل ≠ اجمال

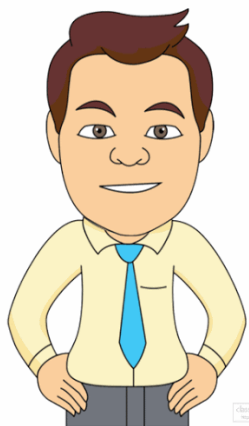
✓ تشبیه ها: دفتر حُسن، پرده اجمال، مغرب ادبار، مشرق اقبال، خار استدلال، سر رشته آمال ها، تشبیه خط و خال به فهرست دفتر حُسن

✓ استعاره ها: خط و خال: استعاره از پدیده های آفرینش، عفو، همسفر شدن با عقل، «کم کردن» برای کواکب، «غربال» استعاره از بهره و روزی، زلف استعاره از عنایت معشوق، تشخیص: همسفر شدن با عقل، کم کردن برای کواکب، زلفش سر رشته آمال ها را به دست می دهد.

✓ «خط» ایهام تناسب: ۱- خط چهره ۲- خط نوشتاری که با «دفتر» تناسب دارد.



✓ کنایه : پرچین شد پیشانی (خشم و عصبانیت) ، بر هم خوردن (دگرگون شدن ، خدشه دار گردیدن) ، همسفر شدن با عقل (عاقل شدن) ، یک کوچه راه (مسافت بسیار اندک) ، ریشه ریشه شدن دامن (رنج و آزار دیدن) ، به دست دادن سرشته آمال ها (امیدوار ساختن) ، سامان نومییدی کردن (ناامید شدن).



✓ لف و نشر : در بیت (۲) ، اسلوب معادله در بیت (۳)

✓ واج آرایی : تکرار مصوت « - » و صامت « ر » در بیت (۳)

✓ تلمیح اشاره به اعتقاد گذشتگان که ستارگان در سرنوشت آدمی تاثیرگذار است: در بیت (۵)

✓ جناس ناهمسان روز و روز

✓ تناسب : دفتر و فهرست به خط : پیشانی و چین ، آینه و تمثال



✓ آسمانی بودن معشوق

✓ ارتباط ضعیف ابیات با هم

✓ رنگ فلسفی داشتن غزل (شاعر یا نگاهی حکمت آمیز به تبیین فلسفه هستی پرداخته است)

✓ مفاهیم محوری:

✓ بیت (۱): اصل وحدت وجود

✓ بیت (۲): اراده و نظر الهی

✓ بیت (۳): غفار بودن الهی

✓ بیت (۴): سرزنش عقل گرایی، ناتوانی عقل از درک مفاهیم عرفانی

✓ بیت (۵): تاثیر کواکب و صور فلکی در تعیین مقدرات انسان

✓ بیت (۶): تاکید بر امیدواری



❖ نثر دوره هندی

❖ نثر ساده

❖ آثار نوشته شده در خارج ایران

* کتب دارالشکوه در هند

* شرفنامه بدلیسی در عثمانی

* بدایع الوقایع در ماوراء النهر



❖ نثر دوره هندی

❖ نثر ساده

❖ آثار نوشته شده در داخل ایران

➤ در تاریخ

* تذکره شاه طهماسب از شاه طهماسب صفوی معاصر

* عالم آرای صفوی از اسکندر بیگ منشی

➤ در عرفان

* عین الحیات از علی بن حسین واعظ کاشفی

➤ در زندگی نامه

* هفت اقلیم از امین احمد رازی

* مجامس المؤمنین از قاضی نورالله شوشتری

➤ در فقه:

* جامع عباسی شیخ بهایی



❖ نثر دوره هندی

❖ نثر مصنوع

➤ فقط دیباچه آن مصنوع باشد.

* شرفنامه بدلیسی

* عیاردانش

➤ تماماً به شیوه مصنوع باشد.

* عباس نامه از وحید قزوینی

* محبوب القلوب از میرزا برخوردار فراهی



❖ نثر دوره هندی

❖ نثر بینابین

* حبیب السیر از خواند میر

* احسن التواریخ از حسن بیگ روملو



پایان